

واکاوی شرط صحت تملک موقوف علیه و مطالعه موردی وقف بر درندگان

علی حسینی فر، استادیار، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

Email: a.hoseinifar@basu.ac.ir

چکیده: از جمله شروط صحت وقف در فقه امامیه، شرط اهلیت و صحت تملک موقوف علیه است. پس از واکاوی ماهیت وقف، شروط آن، تدقیق در حیثه تصرفات موقوف علیه در موقوف و مناقشه فقهای متأخر و معاصر در حصول تملیک از وقف، چنین به نظر می‌رسد که شرط اهلیت تملک موقوف علیه برگرفته از ماهیت تملیکی وقف است که عده‌ای از فقهای امامیه بدان قائل شده‌اند و تزلزل این انگاره می‌تواند موجبات رد این شرط منتزعه را فراهم آورد. حتی بر فرض التزام به تملیکی بودن وقف، طبق آنچه از کلمات فقهای امامیه به دست می‌آید، در برخی موارد تحریری بودن وقف و تملیکی نبودن آن مسلم است که این امر ناقض کلیت شرط پیش گفته خواهد بود. از جمله مواردی که بطلان آن بر فقدان این شرط مبتنی شده است، وقف بر درندگان است که با مناقشه در شرط مزبور، می‌توان محتملی برای صحت آن جست‌وجو کرد. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی، با بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و با اتکای بر کتب فقیهان امامی انجام شده است.

کلیدواژگان: وقف، اهلیت تملک موقوف علیه، صحت تملک موقوف علیه،

درندگان، وحوش، طیور.

مقدمه: از جمله سنن و رسوم نیکوی آیین اسلامی، وقف است که در متون دینی از آن به «صدقه جاریه» تعبیر شده است؛ صدقه‌ای که هم‌چون رودی جاری در زمان و روزگاران، برکات و منافع آن، گاهی تا قرن‌ها امتداد می‌یابد و نسل‌های متعدد از آن بهره‌مند می‌گردند. اگر چه فقهای امامیه زوایای گوناگون این حقیقت شرعی را تبیین نموده، به مسائل و احکام مختلف پیرامون آن پرداخته‌اند، اما حُسن و نکویی این سنت دینی و فوائد آن برای جامعه انسانی و اسلامی خواهان آن است که به واکاوی ماهیت، شرایط، آثار و دامنه آن پرداخته شود و از این رهگذر، گره‌های احتمالی دانشی در مسیر توسعه و گسترش آن به بوته تحلیل و نقد و نظر پژوهشی نهاده شود، تا با از میان برداشتن این گره‌ها زمینه تسهیل تحقق این فرهنگ قویم و وزین دینی فراهم آید.

۱. وقف:

ضروری است، پیش از کاوش شروط صحت و تدقیق در این شرایط معنایی لغوی و اصطلاحی وقف و مناقشاتی که پیرامون ماهیت این حقیقت شرعی مطرح شده است به اختصار یادآوری شود:

۱/۱. معنای لغوی و اصطلاحی وقف:

وقف در لغت، مابین جلوس و به معنای ایستادن و درنگ کردن است (جوهری، ۱۳۷۶ق، ۴، ۱۴۴۰ و ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۹، ۳۵۹) و در اصطلاح فقیهان، عبارت است از عقدی که فائده آن، حبس اصل و تسبیل منافع است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ۳، ۲۸۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۸، ۳). به بیان دیگر، وقف، مالی است که شخص یا اشخاصی با اختیار خود از ملکیت خود خارج می‌کنند تا از سوی عموم (وقف عام) یا قشر و گروه خاصی (وقف خاص) مورد استفاده قرار بگیرد و منافع آن در راه برآوردن نیازهای مردم صرف گردد (ر. ک: سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۲۲، ۴۶). در تعریف اصطلاحی وقف، از سوی فقیهان امامیه، دو عنصر «تحبیس الاصل» و «تسبیل المنفعة» نمایان است که در توضیح آن می‌توان گفت:

۱. حبس الاصل: «تحبیس» در زیان عربی از ریشه «حبس» به معنای تقييد و به بند افکندن است؛ از آن جا که با وقف مال، نقل و انتقال (فروش، هبه، وصیت و...) آن از سوي واقف و موقوف عليه ممنوع مي شود، این تعبیر در تعريف وقف گنجانده شده است (ر. ک: عاملي، ۱۴۱۴ق، ۹، ۷).

۲. تسبیل المنفعة: تسبیل به معنای رهایی، اطلاق و آزاد گذاردن در راه خداوند است، زیرا منافع موقوفه برای موقوف عليهم آزاد و مباح است و مي توانند از آن بهره ببرند (حلي، ۱۳۸۸ق، ۴۴۰).

در ماده ۵۵ قانون مدني نیز، وقف با همین تعريف اصطلاحي در دانش فقه و دو عنصر مقوم معنای آن شناسانده شده است.

آیت الله سبحاني تعريف مشهور وقف را تعريف به آثار تلقي کرده است و آن را مبین ماهیت این حقیقت شرعي نمی داند. وي، پس از مناقشه در این تعريف، تعريف دیگری را برای وقف مطرح کرده است و آن این که: «الوقف ایقاف الشيء علي جهة أو شخص لتدرّ المنافع منه علیها» (سبحاني، ۱۳۹۶ش، ۹).

يکي دیگر از فقهای معاصر، در تبیین اقسام وقف، افزون بر وقف خاص و وقف عام، وقف انتفاع و وقف منفعت را نیز برشمرده است. به نظر مي رسد وقف انتفاع و وقف منفعت قسیم وقف عام و وقف خاص نیست، بلکه این تقسیم، تقسیمی دیگر برای وقف به لحاظی دیگر است (ر. ک: جناتي، ۱۳۶۵ش، ۴۳۳).
۲/۱. ماهیت وقف:

۱. وي در بیان اقسام وقف چنین نگاه کرده است: «برای وقف اقسامی را یادآور شدند که بجاست ما آنها را در این جا ذکر کنیم: ۱. وقف عام عبارت از آن وقفی است که بر جهات و عناوین عام باشد، مانند وقف بر فقراء، وقف بر اهل علم، وقف بر مدارس، بیمارستانها و مانند اینها. ۲. وقف خاص عبارت از آن وقفی است که بر جهت خاص و عنوان خاصی باشد مانند وقف بر اولاد ذکور و یا وقف بر محل یا فرد خاصی که انتفاع از آن خصوصی می باشد. ۳. وقف انتفاع عبارت از آن وقفی است که مقصود از آن درآمد مادی نباشد مانند احداث مسجد و حسینیه در زمین ملکی خود و یا زمین موات. ۴. وقف منفعت عبارت از آن وقفی است که مقصود از آن درآمد مادی است برای هزینه چیزی دیگر مانند وقف دکان برای اداره مسجد و یا مدرسه و یا بیمارستان» (جناتي، ۱۳۶۵ش، ۴۳۳).

درباره ماهیت وقف چند دیدگاه از سوی دانشمندان امامیه مطرح شده است:

الف) وقف از جمله عقود است: به عنوان نمونه، سلار دیلمی (سلار دیلمی، ۱۴۰۴ق، ۱۴۳)، محقق حلی (حلی، ۱۴۰۸ق، ۲، ۱۶۵)، علامه حلی (حلی، ۱۴۱۳ق، ۲، ۳۸۶) و صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۸، ۶) این رأی را برگزیده‌اند.

ب) وقف از جمله ایقاعات است: فقهای مانند، امام خمینی (خمینی، ۱۴۰۹ق، ۴، ۳۸۶) و آیت‌الله سبحانی (سبحانی، ۱۳۹۶ش، ۲۷) این دیدگاه را پذیرفته‌اند.

ج) برخی - از جمله محقق کرکی و شهید ثانی) میان وقف عام و وقف خاص قائل به تفصیل شده‌اند و وقف عام را از جمله ایقاعات و وقف خاص را از جمله عقود برشمرده‌اند (ر.ک: عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱، ۱۹۷ و عاملی، ۱۴۱۰ق، ۳، ۱۶۵).

۲. مالک عین موقوفه:

درباره این که مالک عین موقوفه، پس از وقف چه کسی است پنج دیدگاه مطرح شده است:

الف) بقاء عین موقوفه در ملکیت واقف: شیخ مفید شرط واقف مبنی بر جواز فروش مال موقوفه در هنگام نیازش صحیح دانسته است که لازمه این قول همان بقاء ملکیت واقف است (مفید، ۱۴۱۳ق، ۸): همچنین، محمدحسین نجفی کاشف‌الغطاء، به این قول مایل گشته است (کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹ق، ۲ [ق ۳]، ۷۱).

ب) انتقال عین موقوفه به ملکیت موقوف‌علیه: از عبارات شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷ق، ۳، ۲۸۷)، محقق حلی (حلی، ۱۴۰۸ق، ۲، ۱۷۲)، ابن‌ادیس (حلی، ۱۴۱۰ق، ۳، ۱۵۳) و صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۸، ۹۰) گزینش این دیدگاه روشن می‌شود.

ج) ملکیت خداوند: ابن‌ادریس نقل کرده است که گروهی از علمای شیعه قائل به انتقال مال موقوفه به خداوند شده‌اند (ر.ک: حلی، ۱۴۱۳ق، ۳، ۱۵۴).

د) فک ملک: برخی از فقها، وقف را نوعی فک ملک تلقی کرده‌اند و فرض مالک برای عین موقوفه را غیر لازم شمرده‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴ق، ۱، ۲۳۲ و خمینی، ۱۴۰۹ق، ۳، ۱۶۳).

ه) ملکیت شخصیت حقوقی نهاد وقف: شخصیت حقوقی از اصطلاحات دانش حقوق است. اشخاصی مانند گروه‌ها، جمعیت‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها و... که وجود عینی و مشخصی در خارج ندارند و دارای وجودی فرضی و اعتباری هستند، اشخاص حقوقی شمرده می‌شوند. اشخاص حقوقی، مانند اشخاص حقیقی، حقوق، تکالیف و اموالی دارند که از اموال و حقوق و دارایی‌های افراد تشکیل دهنده آن جداست و از دیگر سویی، کلیه حقوق و تکالیفی را که قانون برای اشخاص حقیقی معین نموده است دارند، مگر آن چه که ملازم با طبیعت و فطرت و سرشت انسانی است و مختص آدمیان است، مانند حقوق و وظایف پدری و فرزندی. (ر. ک: ماده ۵۸۸ قانون تجارت). به تعبیر دیگر، شخصیت حقوقی آن موجود و موضوعی است که از نظر علم حقوق قابلیت و صلاحیت توجه تکلیف و بهره‌مندی از حقوق را دارد و شخص حقیقی هم نیست. این شخصیت را می‌توان، به اختصار، صلاحیت و قابلیت دارا شدن حقوق و تکالیف برای موضوعاتی غیر از انسان شناساند. اگر چه فقهای پیشین امامیه به وجود چنین شخصیتی که اعتباری و حقوقی است تصریح نکرده‌اند، اما شاید بتوان عباراتی نظیر «الوقف علی مثل الفقهاء و الفقراء وقف علی الجهة و لیس وقفاً علی الأشخاص فی الحقیقة» (عاملی، ۱۴۱۹ق، ۲۱، ۴۹۵) را، اشاره به این شخصیت شمرد. عنوان و جهتی که می‌تواند جایگزین شخصیت حقیقی موقوف علیه شود و مالک عین موقوفه محسوب گردد همان شخصیت حقوقی و اعتباری نهاد وقف است که برخی فقهای معاصر به وجود و جواز امتلاک آن تصریح کرده‌اند (حسینی حائری، ۱۴۲۳ق، ۱، ۹۷).

۳. شروط صحت وقف:

فقیهان امامی برای وقف شرائطی ذکر کرده‌اند که می‌توان این شرائط را در چهار دسته گرد آورد: الف) شرائط وقف؛ ب) شرائط واقف؛ ج) شرائط موقوف علیه و د) شرائط موقوف. در این بخش از مقاله به اختصار، به پاره‌ای از این شرائط پرداخته می‌شود:

۱/۳. **شرائط وقف:**

الف) از جمله شروطی که برای صحت وقف بیان شده است، شرط تنجیز و عدم تعلیق است (حلی، ۱۳۸۸ق، ۴۳۳؛ عاملی، ۱۴۱۴ق، ۹، ۱۴ و بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۲۲، ۱۴۲).

ب) همچنین، از سوی برخی از فقها، دوام و عدم انقطاع وقف، از شروط صحت آن شمرده شده، تعیین مدت موجب تبدیل ماهیت وقف به ماهیت حبس تلقی گشته است (حلی، ۱۴۰۸ق، ۲، ۱۷۰؛ نجفی، ۱۴۲۲ق، ۴، ۲۴۹؛ خمینی، بی‌تا، ۲، ۶۵ و گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ۲، ۱۴۲).^۲ صاحب جواهر شرط دوام وقف را، به دلیل مشروعیت وقف منقطع، مردود شمرده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۸، ۷۴). آخوند خراسانی نیز، ملکیت را قابل توقیت شمرده است و شرط دوام را در وقف معتبر ندانسته است (خراسانی، ۱۴۱۳ق، ۳۰).

ج) الزام و عدم امکان جعل خیار نیز از شروط صحت وقف است (حلی، ۱۳۸۸ق، ۴۳۴ و انصاری، ۱۴۱۵ق، ۵، ۱۵۲).

د) اقباض نیز، از سوی برخی از فقها، از جمله شروط وقف شمرده شده است (حلی، ۱۴۰۸ق، ۲، ۱۷۰)؛ با توجه به عدم اشتراط قبض در صحت وقف، به نظر می‌رسد که اقباض و امکان آن از جمله شروط موقوف است نه از شروط وقف (ر. ک: حلی، ۱۳۸۸ق، ۴۳۲).

۲. در تبیین تفاوت حبس و وقف چنین بیان شده است که در وقف، بنا بر رأی مشهور، عین از ملک خارج می‌گردد و یا، بنا بر رأی مقابل مشهور، موجب ممنوعیت مالک از جمیع تصرفات می‌شود؛ هر چند از ملک خارج نمی‌گردد؛ اما در حبس، عین در ملک مالک باقی خواهد ماند و وی از تصرفات غیر مزاحم با استیفای منفعت ممنوع نمی‌شود؛ از این رو است که فروختن عین حبس شده جائز تلقی شده است (ر. ک: اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ۵۳۲).

ه) اخراج موقوف از مالکیت واقف نیز از شروط وقف شمرده شده است (حلی، ۱۴۰۸ق، ۲، ۱۷۰).

۲/۳. شرائط واقف:

از کلمات فقها نمایان می‌شود که وجود اوصاف و شرائط زیر در واقف لازم است:

الف) بلوغ؛

ب) عقل؛

ج) رشد؛

د) اختیار؛

ه) قصد؛

و) مالکیت بر عین موقوفه (ر. ک: عاملی، ۱۴۱۴ق، ۹، ۳۶ - ۳۷).

۳/۳. شرائط موقوف علیه:

برای موقوف علیه نیز شروطی چند در کتب فقهی ذکر شده است:

الف) وجود؛

ب) اهلیت و صحت تملک؛

ج) تعیین؛

د) مشروعیت وقف نسبت به موقوف علیه (ر. ک: حلی، ۱۴۰۸ق، ۲، ۱۶۸).

۴/۳. شرائط موقوف:

فقهای امامیه وجود چهار شرط را در عین موقوفه لازم دانسته‌اند:

الف) عین بودن؛

ب) مملوک واقف بودن؛

ج) قابلیت بقاء و عدم زوال با انتفاع از آن؛

د) امکان تسلیم آن به موقوف علیه (ر. ک: حلی، ۱۴۰۸ق، ۲، ۱۶۶).

۴. شرط صحت و اهلیت تملک موقوف علیه

از جمله شروط موقوف علیه صحت و اهلیت تملک آن است؛ فقهای امامیه از راه این قید، مواردی مانند وقف بر عبد، جنین، جماد، بهائم و حیوانات، ملائکه و جن و ...

را خارج نموده، باطل شمرده‌اند (به عنوان نمونه، ر. ک: حلی، ۱۴۰۸ق، ۲، ۱۶۸؛ عاملی، ۱۴۱ق، ۹، ۳۸؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ۲، ۳۹۰؛ عاملی، ۱۴۱۹ق، ۲۱، ۵۵۶؛ حلی، ۱۳۸۷ق، ۲، ۳۸۵ و حائری طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ۱۰، ۱۳۱). به نظر می‌رسد پایه و اساس این شرط، نظریه مشهور درباره مالکیت موقوف‌علیه بر عین موقوف است. به عبارت دیگر، زمینه پذیرش مالکیت موقوف‌علیه بر موقوف، اهلیت و صلاحیت ایشان برای تملک است. از آن‌جا که در اوقاف بر جهات و عناوین تملیکی رخ نمی‌دهد و این نوع از اوقاف از قبیل تحریر ملک و فک آن است (ر. ک: حلی، ۱۴۱۳ق، ۲، ۳۹۴؛ عاملی، ۱۴۱۷ق، ۲، ۲۷۷؛ عاملی، ۱۴۱۴ق، ۹، ۶۲؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ۵، ۳۷۷؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۲۲، ۱۳۱؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ۴، ۵۴ و خراسانی، ۱۴۱۳ق، ۲۸)، می‌توان گفت اطلاق این اشتراط محل مناقشه و تردید است و در اوقافی که بتوان جهتی راجح به سبب دین یا دنیا^۳ برای آن یافت، صحت تملک اعتباری نخواهد داشت.^۴ به بیان دیگر، اگر در نوعی از وقف تملیکی رخ ندهد و صرف فک و تحریر ملک باشد، التزام به شرط صحت و اهلیت تملک موقوف‌علیه معقول و موجه نیست و تنها می‌توان ملتزم به اشتراط فی‌الجمله این معنی شد.

۵. وقف بر درندگان از وحوش و طیور:

عدم اطلاق شرط صحت و اهلیت تملک موقوف‌علیه را می‌توان در ضمن حکم مشهور به عدم جواز وقف بر سباع از وحوش و طیور مورد مطالعه و بررسی قرار داد. به این منظور، این بخش از مقاله به این تطبیق اختصاص یافته است.

۱/۵. وحوش و طیور درنده:

۳. کاشف الغطاء رجحان به سبب دین یا دنیا را نیز از شرایط وقف برشمرده است (ر. ک: نجفی، ۱۴۲۲ق، ۴، ۲۵۲).

۴. آنچه در این پژوهش درباره تردید و مناقشه در شرط اهلیت و صحت تملک موقوف‌علیه آمده است، مبتنی بر دیدگاه رائج در فقه امامیه درباره لزوم انتساب ملک به اشخاص حقیقی است. گذشت که برخی فقهای معاصر قائل به جواز امتلاک اشخاص و عناوین اعتباری و حقوقی شده‌اند؛ بنا بر این دیدگاه، می‌توان صحت تملک موقوف‌علیه را به جهات و عناوین تسری داد.

فاضل نراقی در تبیین ماهیت سباع از وحوش و طیور می‌نویسد: مراد از وحوش و طیور درنده حیواناتی است که با دندان یا چنگال خود، حیوانات دیگر را شکار کرده، از گوشت حیوانات دیگر تغذیه می‌کنند، مانند شیر، پلنگ، ببر، گرگ، روباه، گربه وحشی، کفتار، شغال، شاهین، باز شکاری، عقاب و واشه (نراقی، ۱۴۱۵ق، ۱۵، ۴۴۱). صاحب جواهر نیز، مشابه همین تعریف را در این باره ارائه کرده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۳۶، ۱۹۹). علامه طباطبایی در تعریف وحوش آورده است: «واژه وحوش جمع وحش است و این کلمه به معنای جاندار است که هرگز با انسان‌ها انس نمی‌گیرد، مانند درندگان و امثال آن» (طباطبایی، ۱۳۷۱ق، ۲۰، ۲۱۳). بر خلاف مشهور فقهای امامی که فروش وحوش، طیور و درندگان را، به دلیل فقدان منافع حلال و عدم قابلیت تملک، جائز نمی‌دانند (ر. ک: حلی، ۱۴۱۰، ۱، ۳۶۱ و نراقی، ۱۴۱۵ق، ۱۴، ۳۰۷)، برخی فقهای معاصر، برای این حیوانات منافع حلالی - از جمله ساخت برخی داروها و مواد شیمیایی، تهیه خوراک پرندگان، نگهداری در باغ وحش جهت مشاهده مردم و شناخت انواع حیوانات و شیوه زیست آن‌ها برشمرده‌اند و از این راه حکم به جواز بیع این حیوانات کرده‌اند (موسوی قزوینی، ۱۴۲۴ق، ۲، ۱۹۷ و منتظری، ۱۴۱۵ق، ۲، ۴۱۴). البته در عبارات اکثر فقهای امامیه، وحوش، در شمار مباحاتی آمده است که از راه حیازت به ملکیت درمی‌آید و پیش از اصطیاد، غیرقابل خرید و فروش شمرده شده است؛ مفهوم این تعبیر آن است که وحوش پیش از اصطیاد مملوک شمرده نمی‌شوند، اما پس از اصطیاد مملوک شکارچی خواهند بود (به عنوان نمونه، ر. ک: حلی، ۱۴۰۸ق، ۲، ۱۰؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ۳، ۱۶۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۲، ۳۴۵ و انصاری، ۱۴۱۵ق، ۴، ۱۱). محقق اردبیلی، ذیل آیه «وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ؛ و برای شما انواع وسائل زندگی در آن [زمین] قرار دادیم» (حجر، ۲۰) و در تبیین معنای «معايش» چنین نگاشته: «ما يوجد في العالم مما تقوم به معيشتكم حتى الطيور والوحوش و ما في الهواء و الماء و ما يدب على الأرض» (اردبیلی، بی‌تا، ۳۶۱)؛ از این تفسیر ایشان، به صراحت فهمیده می‌شود که وحوش و طیور و جنبندگان زمین در قوام و استواری حیات بشری سهیم‌اند.

۲/۵. دیدگاه‌های فقها پیرامون وقف بر درندگان:

علامه حلی می‌نویسد: «اذا وقف علی الوحوش او علی علف الطیور المباحة لم یصح بلا خلاف لا یقال انه یصح الوقف علی المساجد و الریظ مع عدم صلاحیتها للتملك لأنا نقول ان تملك المنافع للمسلمین فالوقف علیها وقف علیهم فلهذا صح» (حلی، ۱۳۸۸ق، ۴۲۹). وی، پس از ادعای عدم خلاف، وقف بر وحوش و طیور را باطل شمرده است و در مقام پاسخ‌گویی به اشکالات بر این گزاره فقهی گفته است: «اگر کسی به این حکم (عدم صحت وقف بر وحوش و طیور) اشکال کند که چگونه است که وقف بر مساجد و کاروانسراها با وجود عدم صلاحیت تملک صحیح است و وقف بر وحوش و طیور صحیح نیست، پاسخ خواهیم داد منافع مساجد و کاروانسراها مملوک مسلمانان است و از این رو وقف بر آن صحیح است.» وی، وصیت بر وحوش را نیز باطل دانسته است و در مقام تعلیل این حکم فقهی به عدم تملک و لزوم اجتناب از اضعاء مال استناد نموده است (حلی، ۱۳۸۸ق، ۴۶۴). سید مجاهد، پس از نقل اجماع درباره عدم جواز وقف بر درندگان از وحوش و طیور، به دلیل عدم امکان تملک در حیوانات، این حکم فقهی را تأیید کرده است (حائری طباطبایی، بی‌تا، ۴۹۸). صاحب مفتاح الکرامه نیز مشابه همین تعبیر را در باب وصیت بر وحوش بیان کرده است (عاملی، ۱۴۱۹ق، ۲۳، ۱۴۵). کاشف الغطاء بر عدم جواز وقف وحوش تصریح نموده است، اما درباره وقف بر وحوش بیانی ندارد (نجفی، ۱۴۲۲ق، ۴، ۲۳۴ و ۲۳۷). امام خمینی عدم صحت مالکیت در حیوانات را مانع صحت وقف قلمداد نموده است (خمینی، ۱۴۲۱ق، ۳، ۱۲۴). محقق اردبیلی، ظاهر عبارت علامه حلی را دال بر مملوک بودن وحوش تلقی کرده است و بر این امر معترض شده است (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۸، ۱۶۸). محمد جواد مغنیه می‌گوید: «از جمله شرائط موقوف‌علیه و موصی‌له اهلیت تملک است، از این رو، وقف و وصیت نسبت به حیوان جائز نیست؛ هر چند که این امر در دنیای غرب مرسوم است و برخی سگ‌هایشان را وارث و وصی خویش می‌شناسانند» (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ۵، ۶۳)! وی سپس می‌گوید: «[ممکن است کسی این دلیل را موجب بطلان وقف بر مساجد، مدارس و درمان‌گاه‌ها برشمرد، اما

باید توجه داشت که [وقف بر این امور در حقیقت وقف بر انسان‌هایی است که از آن منتفع و بهره‌مند می‌شوند] (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ۵، ۶۳). نظیر این بیان، در مقام دفع اشکال بر مساجد و مانند آن - به دلیل عدم صلاحیت تملک مسجد و مانند آن - از علامه حلی (حلی، ۱۴۱۴ق، ۱۰، ۵۱)، شهید ثانی (عاملی، ۱۴۲۲ق، ۵۲۲ و عاملی، ۱۴۱۳ق، ۵، ۳۳۱) و محقق بحرانی (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۲۲، ۱۹۰) نیز صادر شده است.

۳/۵. مناقشه در آراء فقها پیرامون وقف بر درندگان:

از عبارات فقهای امامیه چنین فهمیده می‌شود که وقف بر درندگان از وحوش و طیور به دلیل عدم صلاحیت و اهلیت تملک صحیح نیست، اما به نظر می‌رسد که در این باره بایستی قائل به تفصیل شد. توضیح مطلب آن‌که، وقف بر این حیوانات، گاهی وقف بر جهت خاص است و گاهی وقف بر جهت عام؛ در صورتی که در این وقف، جهت عام و انتفاع نوع انسانی - هر چند به صورت غیر مستقیم - از بقای این حیوانات ملاحظه شود، وجهی برای عدم صحت وقف نمی‌ماند، زیرا در این صورت این وقف از قبیل وقف اموال و املاکی خواهد بود که عموم از آن انتفاع می‌برند و به نوعی سبب قوام و استواری نوع انسان خواهد بود. امام خمینی، وقف بر حیوانات را در شمار وقف بر امور مصدری مانند وقف مسجد و وقف بر مشاهد مشرفه آورده است، که همین امر تأیید بر این مدعا است که متعلق وقف بر حیوانات آدمیان هستند و در نهایت فائده این وقف به ایشان می‌رسد (ر. ک: خمینی، ۱۴۲۱ق، ۳، ۱۲۴). به عبارت دیگر، فقهای امامیه در یک دسته‌بندی کلی، وقف را به دو قسم «الوقف علی الشخص» و «الوقف علی الجهة» تقسیم می‌کنند؛ روشن است که بر فرض صحت اشتراط اهلیت و صلاحیت تملک، کلیت و اطلاق آن را نمی‌توان پذیرفت و این شرط تنها در این تنها در وقف بر شخص مطرح است و در وقف بر جهت نظیر وقف مساجد، مدارس و بیمارستان‌ها صلاحیت تملک مطرح نیست، مگر به اعتبار کسانی که از این وقف - به صورت مستقیم یا غیرمستقیم - بهره‌مند می‌شوند. در وقف بر حیواناتی - که امروزه فوائد و منافع بقای چرخه زیستی آن‌ها بر آدمیان روشن شده است - اگر چه انتفاع اولی

و مستقیم از موقوفه برای آن حیوانات است، لکن بهره ثانوی و غیرمستقیم این نوع از وقف به نوع انسانی عائد و واصل خواهد شد.

۶. مستندات انتفاع بشر از وحوش و طیور و نقش وحوش در حفظ تعادل زیست محیطی

اشکال اصلی فقهای متقدم بر وقف بر درندگان، مبتنی بر دو پایه است:

عدم اهلیت تملک: که در بخش قبلی به آن پرداخته شد.

عدم وجود منفعت حلال برای انسان: آنان معتقد بودند این حیوانات هیچ منفعت مشروعی برای انسان ندارند و وقف بر آنها اضعاء مال و تبذیر ثروت است. با پیشرفت علوم زیستی و بوم‌شناسی (Ecology)، امروزه به وضوح ثابت شده است که وجود این حیوانات نه تنها بی‌فایده نیست، بلکه برای بقا و سلامت نوع بشر کاملاً ضروری است. بنابراین، منفعت این وقف، به‌صورت غیرمستقیم به جهت عام (مصلح عمومی بشریت) برمی‌گردد.

این انتفاع را می‌توان در چند محور توضیح داد:

۱/۶. نقش کلیدی در سلامت چرخه‌های زیستی (Ecological Cycles):

الف) تنظیم جمعیت جانوران: درندگان با شکار جانوران گیاهخوار، از افزایش بی‌رویه جمعیت آنها جلوگیری می‌کنند. اگر جمعیت گیاهخواران کنترل نشود، پوشش گیاهی به شدت آسیب دیده و منجر به فرسایش خاک و بیابان‌زایی می‌شود. این امر مستقیماً بر امنیت غذایی انسان تأثیر می‌گذارد.

ب) حفظ سلامت جمعیت طعمه‌ها: درندگان معمولاً جانوران بیمار، ضعیف و پیر را شکار می‌کنند. این کار مانع از شیوع بیماری در جمعیت طعمه‌ها شده و به سلامت کل اکوسیستم کمک می‌کند.

۲/۶. تأمین سلامت و امنیت غذایی انسان:

بسیاری از پرندگان شکاری (مانند عقاب و شاهین) و گوشت‌خواران (مانند روباه) از جوندگان موذی که محصولات کشاورزی را نابود می‌کنند، تغذیه می‌کنند. از بین

رفتن این درندگان، به معنای افزایش قحطی و کاهش منابع غذایی بشر است. همین فائده می‌تواند مصداق بارزی از نقش در معیشت انسان‌ها تلقی شود؛ همان‌طور که محقق اردبیلی در تفسیر آیه «وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ» (حجر: ۲۰) می‌نویسد: «ما يوجد في العالم مما تقوم به معيشتكم حتى الطيور و الوحوش ...» (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۸، ۳۶۱). این عبارت نشان می‌دهد که وحوش نیز در زمره منابع تأمین معاش و قوام زندگی انسان شمرده شده‌اند.

۳/۶. تأمین سلامت و امنیت زیستی (Biological Security):

پیشگیری از بیماری‌ها: از بین بردن لاشه‌های جانوران و کنترل جمعیت جانوران ناقل بیماری (مانند موش‌ها) توسط درندگان، به طور مستقیم در پیشگیری از شیوع بیماری‌های مشترک بین انسان و دام (مانند طاعون، هاری و...) نقش دارد. این امر مصداق روشن «دفع الضرر» و «حفظ الصحة» است که از اهداف مهم شریعت است.

۴/۶. منافع علمی، آموزشی و پزشکی:

الف) منافع پزشکی: همان‌طور که برخی فقهای معاصر مانند سید علی موسوی قزوینی و حسینعلی منتظری اشاره کرده‌اند، از اعضای بدن این حیوانات در ساخت داروها و مواد شیمیایی ارزشمند استفاده می‌شود (موسوی قزوینی، ۱۴۲۴ق، ۲، ۱۹۷؛ منتظری، ۱۴۱۵ق، ۲، ۴۱۴).

ب) منافع علمی و آموزشی: مطالعه بر روی این حیوانات به درک بهتر فرآیندهای زیستی، تکامل و رفتارشناسی کمک می‌کند. ایجاد پناهگاه یا محیط حفاظت‌شده، آبشخور و ... برای آن‌ها (که می‌تواند در قالب وقف باشد)، به این هدف کمک می‌کند و برای دانشمندان و عموم مردم مفید است.

۵/۶. تبیین فقهی وقف بر جهت به جای وقف بر شخص

با در نظر گرفتن منافع فوق، می‌توان گفت وقف یک منطقه برای حفاظت از درندگان، در حقیقت وقف بر یک جهت عام و مشروع است، نه وقف بر خود حیوان به عنوان یک شخص فاقد اهلیت. موقوف علیه حقیقی در این نگاه، نوع بشر یا مسلمانان هستند

که از برکات و منافع غیرمستقیم این اقدام بهره‌مند می‌شوند. بنابراین، این وقف، مصداق وقف بر مصالح عامه است؛ همان‌طور که وقف بر بیمارستان، مدرسه یا پل، وقف بر خود بنا نیست، بلکه وقف بر منفعت انسان‌هایی است که از آن استفاده می‌کنند. این استدلال، مشابه پاسخی است که علامه حلی و شهید ثانی به اشکال عدم صلاحیت تملک مساجد داده‌اند. آنان تصریح کرده‌اند که وقف بر مساجد، در حقیقت وقف بر مسلمانان و منافع آنان است (حلی، ۱۳۸۸ق، ۱۰، ۵۱؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ۵، ۳۳۱). به همین قیاس، وقف بر حفظ درندگان، وقف بر منافی است (سلامت محیط زیست، امنیت غذایی، مصالح علمی) که عاید جامعه انسانی می‌شود. از این رو، با استناد به یافته‌های قطعی علوم جدید، انتفاع نوع بشر از وجود وحوش و طیور و حفظ تعادل زیست‌محیطی از راه بقا و حفظ این جانوران، به یک امر بدیهی و غیرقابل انکار تبدیل شده است. این منفعت، اگرچه در برخی موارد غیرمستقیم است، اما حقیقی، کلان و حیاتی است. بنابراین، اگر وقف برای ایجاد یک پناهگاه یا منطقه حفاظت‌شده برای درندگان صورت گیرد، در حقیقت وقف بر جهت عام و مصلحت عمومی است که نهایتاً به نوع انسان برمی‌گردد. با این تحلیل، مانع اصلی برای صحت چنین وقفی (یعنی عدم النفع و اضاعه مال) مرتفع می‌شود و می‌توان با تکیه بر قواعد عمومی وقف و مصالح اجتماعی، صحت آن را به نظر فقیهان معاصر ارائه کرد.

نتیجه‌گیری:

با توجه به مباحث مطرح‌شده، می‌توان دریافت که شرط «اهلیت تملک موقوف‌علیه» که از سوی فقهای امامیه برای صحت وقف بیان شده، امری مطلق و غیرقابل خدشه نیست. این شرط برآمده از نظریه مالکیت موقوف‌علیه بر عین موقوفه در نظریه وقف تملیکی است. در صورت تردید در اطلاق این نظریه یا پذیرش نظریه‌های رقیب همچون «فک ملک» یا «شخصیت حقوقی نهاد وقف»، اساس استناد به این شرط متزلزل می‌گردد.

حتی با التزام به نظریه تملیکی بودن وقف، با توجه به تقسیم‌بندی وقف به «وقف بر شخص» و «وقف بر جهت»، روشن می‌شود که اشتراط اهلیت تملک، مختص به «وقف بر شخص» است و در «وقف بر جهت» - مانند وقف بر مساجد، مدارس و بیمارستان‌ها - این شرط موضوعیت ندارد، چرا که در این موارد، مالکیت برای شخصیت‌های حقوقی اعتباری یا انتفاع عموم مسلمانان در نظر گرفته می‌شود.

مطالعه موردی وقف بر درندگان به عنوان مصداقی که مشهور فقها به استناد فقدان اهلیت تملک، آن را باطل شمرده‌اند، نشان می‌دهد که با نگاهی دقیق‌تر می‌توان محملی برای صحت آن یافت. در اینگونه موارد، اگر وقف را «بر جهت» تفسیر کنیم - جهتی که نهایتاً انتفاع آن به نوع بشر و حفظ تعادل زیست‌محیطی برمی‌گردد - آنگاه دیگر مانعی برای صحت وقف وجود نخواهد داشت. این نگاه، امکان توسعه قلمرو وقف و استفاده از این سنت حسنه در عرصه‌های نوینی مانند حفظ محیط زیست و حمایت از حیوانات را فراهم می‌سازد.

در نتیجه، به نظر می‌رسد شرط اهلیت تملک موقوف‌علیه، شرطی مطلق برای تمامی اقسام وقف نبوده و قابلیت تخصیص دارد. بنابراین، در مواردی مانند وقف بر جهات عامه یا اموری که منفعت نوعی و غیرمستقیم برای جامعه اسلامی دارد، حتی با فرض عدم اهلیت تملک موضوع مستقیم وقف (مانند درندگان)، می‌توان با استناد به انتفاع نهایی انسان‌ها، وقف را صحیح دانست.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم (ترجمه‌ی آیت‌الله مکارم شیرازی).
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (چاپ سوم). بیروت: دار صادر.
- اردبیلی، احمد بن محمد. (بی‌تا). زبدة البیان فی تفسیر آیات الاحکام (چاپ اول). قم: المكتبة الجعفرية لإحياء الآثار الجعفرية.
- اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة و البرهان (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

اصفهانى، سيد ابوالحسن. (١٤٢٢ق). وسيلة النجاة (چاپ اول). قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى.

انصارى، مرتضى بن محمدامين. (١٤١٥ق). المكاسب (چاپ اول). قم: كنگره جهانى بزرگداشت شيخ اعظم انصارى.

بحرانى، يوسف بن احمد. (١٤٠٥ق). الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.

جناتى، محمدابراهيم. (بى تا). ادوار فقه و كيفيت بيان آن. بى تا: بى جا.

جوهرى، اسماعيل بن حماد. (١٣٧٦ق). الصحاح (چاپ اول). بيروت: دار العلم للملايين.

حائرى طباطبايى (مجاهد)، سيد محمد. (بى تا). المناهل (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت.

حائرى طباطبايى، سيد على بن محمد. (١٤١٨ق). رياض المسائل في تحقيق الاحكام بالدلائل (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت.

حسينى حائرى، سيد كاظم. (١٤٢٣ق). فقه العقود (چاپ دوم). قم: مجمع انديشه اسلامي.

حلى (فخر المحققين)، محمد بن حسن. (١٣٨٧ق). ايضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد (چاپ اول). قم: مؤسسه اسماعيليان.

حلى، ابن ادريس. (١٤١٠ق). السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.

حلى، جعفر بن حسن. (١٤٠٨ق). شرائع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام (چاپ دوم). قم: مؤسسه اسماعيليان.

حلى، حسن بن يوسف بن مطهر. (١٤١٠ق). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.

حلى، حسن بن يوسف بن مطهر. (١٣٨٨ق). تذكرة الفقهاء (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت.

حلى، حسن بن يوسف بن مطهر. (١٤١٣ق). قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام
(چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
خراسانى، محمداكظم بن حسين. (١٤١٣ق). كتاب في الوقف (چاپ اول). قم: دفتر
انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
خمينى، سيد روح الله. (بى تا). تحرير الوسيلة (چاپ اول). قم: مؤسسه مطبوعات دار
العلم.
خمينى، سيد روح الله. (١٤٢١ق). كتاب البيع (چاپ اول). تهران: مؤسسه تنظيم و نشر
آثار امام خمينى.
ديلمى (سالار)، حمزة بن عبدالعزيز. (١٤٠٤ق). المراسم العلوية و الأحكام النبوية
(چاپ اول). قم: منشورات الحرمین.
سبحانى، جعفر. (١٣٩٦ش). احكام الوقف فى الشريعة الاسلامية الغراء (چاپ اول).
قم: مؤسسه امام صادق.
سيزوارى، سيد عبدالاعلى. (١٤١٣ق). مهذب الاحكام فى بيان الحلال و الحرام
(چاپ چهارم). قم: مؤسسه المنار.
طباطبايى يزدى، سيد محمد كاظم. (١٤١٤ق). تكملة العروة الوثقى (چاپ اول). قم:
كتاب فروشى داورى.
طباطبايى، محمد حسين. (١٣٧١ش). الميزان فى تفسير القرآن (چاپ دوم). قم: نشر
اسماعيليان.
طوسى، محمد بن حسن. (١٣٨٧ق). المبسوط فى فقه الامامية (چاپ سوم). تهران:
المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
عاملى (شهيد اول)، محمد بن مكى. (١٤١٧ق). الدروس الشرعية فى فقه الامامية
(چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
عاملى (شهيد ثانى)، زين الدين بن على. (١٤١٠ق). الروضة البهية فى شرح اللمعة
الدمشقية (چاپ اول). قم: كتاب فروشى داورى.

عاملى (شهيد ثانى)، زين الدين بن على. (١٤١٣ق). مسالك الافهام الي تنقيح شرائع الاسلام (چاپ اول). قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.

عاملى (محقق ثانى)، على بن حسين. (١٤١٤ق). جامع المقاصد في شرح القواعد (چاپ دوم). قم: مؤسسه آل البيت.

عاملى (محقق ثانى)، على بن حسين. (١٤٠٩ق). رسائل المحقق الكركي (چاپ اول). قم: كتابخانه آية الله مرعشى نجفى و دفتر نشر اسلامى.

عاملى، (شهيد ثانى)، زين الدين بن على. (١٤٢٢ق). حاشية شرائع الاسلام (چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم.

عاملى، سيد جواد بن محمد. (١٤١٩ق). مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.

كاشف الغطاء، محمد حسين بن على. (١٣٥٩ق). تحرير المجلة (چاپ اول). نجف: المكتبة المرتضوية.

گلبايجانى، سيد محمدرضا. (١٤١٣ق). هداية العباد (چاپ اول). قم: دار القرآن الكريم.

مغنيه، محمد جواد. (١٤٢١ق). فقه الامام الصادق (چاپ دوم). قم: مؤسسه انصاريان.

مفيد، محمد بن محمد بن نعمان. (١٤١٣ق). المسائل الطوسية (چاپ اول). قم: كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد.

منتظرى، حسين على. (١٤١٥ق). دراسات في المكاسب المحرمة (چاپ اول). قم: نشر تفكر.

موسوى قزوينى، سيد على. (١٤٢٤ق). ينابيع الاحكام في معرفة الحلال و الحرام (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.

نجفى (صاحب جواهر)، محمد حسن. (١٤٠٤ق). جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام (چاپ هفتم). بيروت: دار احياء التراث العربى.

نجفى (كاشف الغطاء)، جعفر بن خضر. (١٤٢٢ق). كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء (چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم.

نراقى، احمد بن محمد مهدى. (١٤١٥ق). مستند الشيعة في احكام الشريعة (چاپ اول). قم: مؤسسة آل البيت.

References

The Holy Quran (Translated by Ayatollah Makarem Shirazi.)

Amili (Muhaqqiq al-Thani), Ali ibn Husayn. (1409 AH). Rasa'il al-Muhaqqiq al-Karaki (1st ed.). Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library and Islamic Publications Office. (in Arabic)

Amili (Muhaqqiq al-Thani), Ali ibn Husayn. (1414 AH). Jami' al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id (2nd ed.). Qom: Aal al-Bayt Institute. (in Arabic)

Amili (Shahid al-Awwal), Muhammad ibn Makki. (1417 AH). Al-Durus al-Shar'iyya fi Fiqh al-Imamiyya (2nd ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. (in Arabic)

Amili (Shahid al-Thani), Zayn al-Din ibn Ali. (1410 AH). Al-Rawda al-Bahiyya fi Sharh al-Lum'at al-Dimashqiyya (1st ed.). Qom: Dawari Bookstore. (in Arabic)

Amili (Shahid al-Thani), Zayn al-Din ibn Ali. (1413 AH). Masalik al-Afham ila Tanqih Sharai' al-Islam (1st ed.). Qom: Islamic Ma'arif Foundation. (in Arabic)

Amili, (Shahid al-Thani), Zayn al-Din ibn Ali. (1422 AH). Hashiyat Sharai' al-Islam (1st ed.). Qom: Islamic

Propagation Office Publications of the Qom Seminary. (in Arabic)

Amili, Sayyid Jawad ibn Muhammad. (1419 AH). Miftah al-Karama fi Sharh Qawa'id al-Allama (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. (in Arabic)

Ansari, Murtada ibn Muhammad Amin. (1415 AH). Al-Makasib (1st ed.). Qom: World Congress in Honor of Sheikh al-A'zam Ansari. (in Arabic)

Ardabili, Ahmad ibn Muhammad. (1403 AH). Majma' al-Fa'ida wa al-Burhan (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. (in Arabic)

Ardabili, Ahmad ibn Muhammad. (n.d.). Zubdat al-Bayan fi Tafsir Ayat al-Ahkam (1st ed.). Qom: Al-Maktaba al-Ja'fariyya li Ihya' al-Athar al-Ja'fariyya. (in Arabic)

Bahrani, Yusuf ibn Ahmad. (1405 AH). Al-Hada'iq al-Nadira fi Ahkam al-Itrat al-Tahira (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. (in Arabic)

Daylami (Salar), Hamzah ibn Abd al-Aziz. (1404 AH). Al-Marasim al-Alawiyya wa al-Ahkam al-Nabawiyya (1st ed.). Qom: Haramayn Publications. (in Arabic)

Golpaygani, Sayyid Muhammad Reza. (1413 AH). Hidayat al-'Ibad (1st ed.). Qom: Dar al-Qur'an al-Karim. (in Arabic)

Ha'iri Tabatabai (Mujahid), Sayyid Muhammad. (n.d.). Al-Manahil (1st ed.). Qom: Aal al-Bayt Institute.

Ha'iri Tabatabai, Sayyid Ali ibn Muhammad. (1418 AH). Riyad al-Masa'il fi Tahqiq al-Ahkam bi al-Dala'il (1st ed.). Qom: Aal al-Bayt Institute. (in Arabic)

Hilli (Fakhr al-Muhaqqiqin), Muhammad ibn al-Hasan. (1387 AH). Idah al-Fawa'id fi Sharh Mushkilat al-Qawa'id (1st ed.). Qom: Isma'iliyan Publications. (in Arabic)

Hilli, Hasan ibn Yusuf ibn Mutahhar. (1388 AH). Tadhkirat al-Fuqaha (1st ed.). Qom: Aal al-Bayt Institute. (in Arabic)

Hilli, Hasan ibn Yusuf ibn Mutahhar. (1410 AH). Irshad al-Adhhan ila Ahkam al-Iman (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. (in Arabic)

Hilli, Hasan ibn Yusuf ibn Mutahhar. (1413 AH). Qawa'id al-Ahkam fi Ma'rifat al-Halal wa al-Haram (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. (in Arabic)

Hilli, Ibn Idris. (1410 AH). Al-Sara'ir al-Hawi li Tahrir al-Fatawi (2nd ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. (in Arabic)

Hilli, Ja'far ibn al-Hasan. (1408 AH). Sharai' al-Islam fi Masa'il al-Halal wa al-Haram (2nd ed.). Qom: Isma'iliyan Publications. (in Arabic)

Husayni Ha'iri, Sayyid Kazim. (1423 AH). Fiqh al-Uqud (2nd ed.). Qom: Islamic Thought Center. (in Arabic)

Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram. (1414 AH). Lisan al-Arab (3rd ed.). Beirut: Dar Sadir. (in Arabic)

Isfahani, Sayyid Abul Hasan. (1422 AH). Wasilat al-Najat (1st ed.). Qom: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. (in Arabic)

Jannaati, Muhammad Ibrahim. (n.d.). Adwar al-Fiqh wa Kayfiyyat Bayanih. No Place: No Publisher. (in Persian)

Jawhari, Isma'il ibn Hammad. (1376 AH). Al-Sihah (1st ed.). Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin. (in Arabic)

Kashif al-Ghita', Muhammad Husayn ibn Ali. (1359 AH). Tahrir al-Majalla (1st ed.). Najaf: Al-Murtadawiyya Library. (in Arabic)

Khomeini, Sayyid Ruhullah. (1421 AH). Kitab al-Bay' (1st ed.). Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. (in Arabic)

Khomeini, Sayyid Ruhullah. (n.d.). Tahrir al-Wasila (1st ed.). Qom: Dar al-Ilm Publications. (in Arabic)

Khurasani, Muhammad Kazim ibn Husayn. (1413 AH). Kitab fi al-Waqf (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. (in Arabic)

Montazeri, Husayn Ali. (1415 AH). Dirasat fi al-Makasib al-Muharrama (1st ed.). Qom: Tafakkur Publications. (in Arabic)

Mufid, Muhammad ibn Muhammad ibn Nu'man. (1413 AH). Al-Masa'il al-Tusiyya (1st ed.). Qom: World Congress on the Millennium of Sheikh al-Mufid. (in Arabic)

Mughniya, Muhammad Jawad. (1421 AH). Fiqh al-Imam al-Sadiq (2nd ed.). Qom: Ansariyan Publications. (in Arabic)

Musawi Qazwini, Sayyid Ali. (1424 AH). Yanabi' al-Ahkam fi Ma'rifat al-Halal wa al-Haram (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. (in Arabic)

Najafi (Kashif al-Ghita'), Ja'far ibn Khidr. (1422 AH). Kashf al-Ghita' an Mubhamat al-Shari'ah al-Ghura (1st ed.). Qom: Islamic Propagation Office Publications of the Qom Seminary. (in Arabic)

Najafi (Sahib al-Jawahir), Muhammad Hasan. (1404 AH). Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharai' al-Islam (7th ed.). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. (in Arabic)

Naragi, Ahmad ibn Muhammad Mahdi. (1415 AH). Mustanad al-Shi'a fi Ahkam al-Shari'a (1st ed.). Qom: Aal al-Bayt Institute. (in Arabic)

Sabzawari, Sayyid Abd al-A'la. (1413 AH). Muhadhdhab al-Ahkam fi Bayan al-Halal wa al-Haram (4th ed.). Qom: Al-Manar Institute. (in Arabic)

Subhani, Ja'far. (1396 SH). Ahkam al-Waqf fi al-Shari'ah al-Islamiyyah al-Ghura (1st ed.). Qom: Imam al-Sadiq Institute. (in Arabic)

Tabatabai Yazdi, Sayyid Muhammad Kazim. (1414 AH). Takmilat al-Urwat al-Wuthqa (1st ed.). Qom: Dawari Bookstore. (in Arabic)

Tabatabai, Muhammad Husayn. (1371 SH). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an (2nd ed.). Qom: Isma'iliyan Publications. (in Arabic)

Tusi, Muhammad ibn al-Hasan. (1387 AH). Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyya (3rd ed.). Tehran: Al-Murtadawiyya Library for the Revival of Ja'fari Heritage. (in Arabic)

Abstract

Among the conditions for the validity of an endowment (Waqf) in Imamiyyah jurisprudence is the condition of the legal capacity and validity of ownership by the beneficiary (Mawquf 'Alayh). This research, employing a descriptive-analytical method and relying on documentary and library sources from Imami jurists' works, investigates this condition.

The analysis reveals that the requirement for the beneficiary's eligibility for ownership is derived from the theory that views Waqf as a transfer of ownership (Tamlik), a position held by a number of Imami jurists. Challenging this foundational premise can provide grounds for rejecting this derived condition. Furthermore, even assuming the validity of the "transfer of ownership" theory, the statements of Imami jurists themselves indicate that in certain cases, Waqf is declaratory (Tahriri) in nature and does not constitute a transfer of ownership, which would negate the universality of the aforementioned condition.

A key case study where invalidity is often predicated on the absence of this condition is a Waqf established for predators (such as wild beasts and birds of prey). By critically examining this stipulated condition, a basis for the validity of such a Waqf can be sought. This is achieved by reinterpreting the beneficiary not as the animal itself (which lacks legal capacity), but rather as the "general purpose" or "cause" (al-Jihah), which ultimately serves humanity through maintaining ecological balance and providing indirect, yet vital, benefits to humankind.

Keywords: Waqf (Endowment), Eligibility of the Beneficiary, Validity of Ownership by the Beneficiary, Predators, Wild Beasts, Birds of Prey.

نسخه پیش از انتشار (ناویراسته)